

آرم
رادیو

پدیده‌ای ارتباطی

● محمدرضا قربانی

مدیر طرح و برنامه صدای آشنا

با این مقدمه و آنچه که از اهمیت آرم دریافت شد به تعریف جامع آن می‌پردازیم:

آرم رادیویی: نشانه‌ای صوتی است که در یک فراگرد ارتباطی (communication process) اطلاعاتی کلی از برنامه را به مخاطب ارائه دهد، به نحوی که در این فراگرد اجزا و عناصر مختلف صوتی به شکلی تدوین و رمزگذاری (encode) شوند که در رمزگشایی (decode) و دریافت نیز مخاطب بدون پیچیدگی و در عین سادگی به نزدیک‌ترین معانی مورد نظر در انتقال پیام (transmission message) نائل آید.

تعریف بالا تلفیقی است از دو رویکرد علمی و تجربی که در کنار هم مفهومی جدید پدید آورده‌اند. برای پرداخت این مفهوم لازم است عبارات «فراگرد»، فراگرد ارتباطی، اجزا و عناصر صوتی پیام هرکدام در جای خود بررسی شوند.

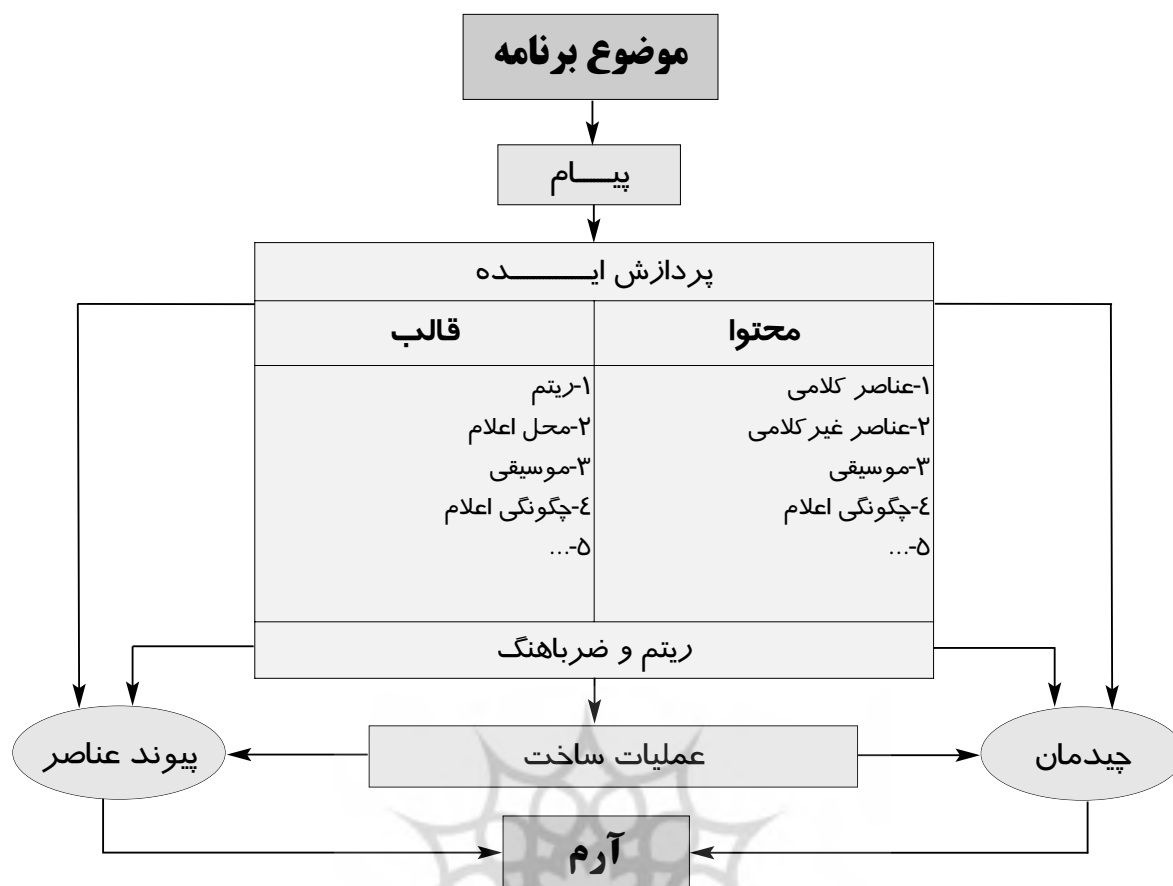
فراگرد

در کتاب ارتباط‌شناسی به نقل از دیوید برلو، فراگرد (process) چنین تعریف می‌شود: «هر رویدادی (phenomenon) که یک تغییر ممتد در زمان را نشان دهد یا هر عمل یا نحوه عملی (treatment)

در فرهنگ فارسی عمید در تعریف «آرم» چنین آمده است: «آرم: علامت مخصوص یک دولت یا یک بنگاه یا یک اداره که روی کاغذ یا چیز دیگر نقش می‌کنند.»

در این نوشتار سعی بر این است که ضمن تعریف «آرم رادیویی» معرفی اجزا و عناصر آن، نحوه ترکیب و ساخت آن را نیز مبتنی بر اصول علمی ارائه دهیم. آنچه در مدل شماره ۱ مشاهده می‌کنید فرایند ساخت آرم از آغاز تا انجام است که در ادامه اجزای آن را بررسی و تشریح می‌کنیم.

آنچه ارزش آرم را در یک برنامه رادیویی مضاعف می‌کند، نکته‌های پنهانی است که شاید بیشتر صاحب‌نظران رادیو بر آن اتفاق نظر داشته باشند. آرم حاوی پیامی مهم است که به عنوان اولین بسته ارتباطی از سوی فرستنده (transmitter) به گیرنده (receiver) ارائه می‌شود و مخاطب زمانی تمایل به باز نمودن بسته و دریافت پیام می‌نماید که این بسته‌بندی منطقی و بدون نقص ارائه شده باشد. در چنین حالتی اگر اولین پیام ارتباطی در قالب آرم به شکلی صحیح به فرستنده منتقل شود او میل به دریافت دیگرپیام‌ها را تا انتهای برنامه دارد و اگر اولین پیام در آرم قابل انتقال نباشد (ناشی از ضعف)، مخاطب تمایلی به دریافت دیگرپیام‌ها و همراهی برنامه را نخواهد داشت.



نمودار ۱

موضوع

همان گونه که در شکل ملاحظه می کنید اولین عنصری که در فرایند ساخت، آرم را تحت الشعاع قرار می دهد موضوع است. موضوع چکیده مطلبی است که به شکل کلان طرح شده است و نهایتاً به خلاصه ترین شکل در حد چند کلمه ارائه می شود. موضوع ویژگی هایی دارد که هرکدام را به اختصار بررسی می کنیم.

۱. موضوع بر دیگر اجزای آرم مؤثر است.
۲. موضوع بین اجزای آرم رابطه برقرار می کند.
۳. موضوع در انتخاب قالب مؤثر است.
۴. پیام آرم برگرفته از موضوع است.

موضوع بر دیگر اجزا مؤثر است

اجزا و عناصر آرم به تنهایی مفهومی ندارند مگر مفهومی خاص که صرفاً محدود است. مثلاً اگر موسیقی، افکت و گفتار هرکدام موضوع واحدی داشته باشند، بر دیگری مؤثر نخواهند بود. اما آنچه که این اجزا را هماهنگ و یک دست می کند و از آن موقعیتی واحد پدید می آورد موضوع اصلی آرم است که همان موضوع اولیه برنامه را شامل می شود.

که ممتد باشد.» در این تعریف رویداد وابسته به تغییراتی است که این تغییرات تحت تأثیر زمان به هدفی عملی و مشترک منجر می شود. در تعریفی دیگر فراگرد «پدیده ای پویاست که اجزای داخل آن دارای کنش های متقابل (interact) هستند و هریک بر دیگری تأثیر می گذارند و از دیگری تأثیر می گیرند» (محسنیان راد، ۱۳۸۲).

در تعریف دوم بیشتر تأکید بر تأثیرگذاری اجزاست. در یک فراگرد تأثیرات با هدفی مشترک صورت می گیرد به نحوی که پیوستگی اجزا حفظ شود. آنچه که تعریف دوم را جدی تر نمایان می کند، استقلال اجزاست، یعنی اجزا علاوه بر اینکه هرکدام مسیری تنها و مشخص را دنبال می کنند، زمانی که در یک فرایند قرار می گیرند ضمن حفظ مسیر قبلی و هویت و استقلال خود، هدفی مشترک را نیز دنبال می کنند.

حال اگر تعریف عمومی و ساده «ارتباط» را نیز که همان «فرایند انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده» است اضافه کنیم، در فراگرد ارتباطی با عنصری ارتباطی روبه رو هستیم که هرکدام هویتی مستقل دارند.

در این بخش به شرح مدل شماره ۱ می پردازیم تا ضمن بررسی عناصر و اجزای آرم با مراحل ساخت آن نیز آشنا شویم.

موضوع بین اجزا رابطه برقرار می کند

اجزای آرم هرکدام موضوع واحدی دارند، اما زمانی که با موضوع اصلی برنامه آمیخته می شوند بین آنها رابطه برقرار می شود، رابطه ای دوسویه که بر شدت تأثیر هماهنگی اجزا می افزاید.

مثلاً در آرم برنامه ای با موضوع و نام بررسی وقوع زلزله در تهران اگر به ترتیب با عناصر موسیقی ← گفتار ← افکت ← و اعلام مواجه باشیم، موضوع زلزله رابطه ای معنادار بین این اجزا برقرار می کند. به نحوی که نوع موسیقی از ساختار و معنایی برخوردار است که مفهوم وقوع زلزله یا حادثه ای دیگر را در بر دارد. سپس گوینده آرم با گفتاری که می تواند در قالب شعر، قطعه یا گفتار ساده باشد این خبر را کامل می کند در ادامه افکتی با مفهوم ریزش یا لرزش، اجزای قبلی (موسیقی و گفتار) را برجسته می کند. سپس نام برنامه و نوع اعلام نیز مؤثر از وقوع زلزله خواهد بود و نهایتاً موسیقی یا عنصر پایانی آرم که مخاطب را با همان وضعیت ذهنی به برنامه هدایت می کند.

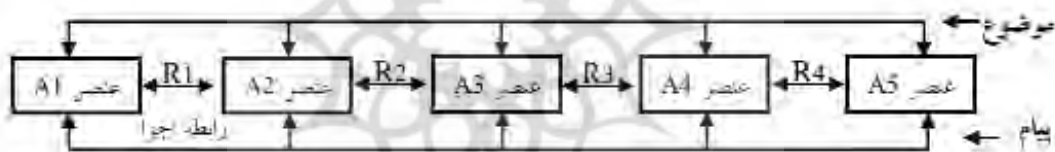
نقطه تمرکز بر این ویژگی همان رابطه ای است که موضوع بین اجزا برقرار کرده است که به شکلی نمادین آن را به نمایش گذاشته ایم. (شکل ۲)

پیام آرم

در مدل های ارتباطی، پیام یکی از سه عنصر یا چند عنصر اصلی فراگرد ارتباط محسوب می شود. جایگاه پیام بین فرستنده و گیرنده است.

دیوید برلو (۱۹۶۰-) پیام را چنین تعریف می کند: «یک تولید عملی و فیزیکی از سوی منبع رمزگذار». ویلبر شرام (۱۹۵۴) نیز معتقد است: «پیام ممکن است به شکل جوهر روی کاغذ، امواج صوتی در هوا، جریان برق، تکان دادن دست یا پرچم یا هر نوع علائمی باشد که قادر به تفهیم معنی است». هارولد لاسول در سال ۱۹۴۶ اولین مدل ارتباطی را ارائه می دهد که در آن هرکدام از عناصر مختلف ارتباطی را با سؤالی پیوند می دهد، این سؤالات عبارت اند از:

- o که می گوید؟
 - o چه می گوید؟
 - o به که می گوید؟
 - o با چه تأثیری می گوید؟
 - o در کجا می گوید؟
- آنچه در این مدل دربرگیرنده پیام است سؤال «چه می گوید» است.



شکل ۲: تأثیر موضوع بر اجزا و رابطه آنها

موضوع در انتخاب قالب مؤثر است

موضوع مطلبی است که درباره آن بحث می شود. این مطلب ممکن است سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... باشد که هرکدام از آنها نیز می تواند ده ها یا صدها رشته دیگر را در بر گیرد. در ساختار آرم نوع موضوع بر نوع قالب مؤثر است، مثلاً موضوعات اجتماعی به دلیل اهمیت بحث و تنوع مطلب می تواند قالب ترکیبی پدید آورد.

پیام آرم برگرفته از موضوع است

در ابتدا اشاره کردیم که آرم حاوی اولین پیام برنامه است که از سوی فرستنده به گیرنده منتقل می شود. با توجه به اهمیت آرم در ساختار برنامه پیام آرم نیز اهمیت ویژه ای پیدا می کند تا جایی که شاید مجموعه ای از پیام های برنامه را نیز در بر گیرد. این پیام ها برگرفته از موضوع و نوع مطالب و بحث هایی است که در برنامه ارائه می شود.

از مجموعه مطالب ارائه شده در خصوص پیام چنین استنباط می شود که پیام آرم نیز می تواند ویژگی هایی به این شرح داشته باشد:

۱. پیام یک تولید عملی و فیزیکی است.
۲. پیام در آرم یک عنصر مستقل است.
۳. پیام دارای اجزا و عناصری است.

مستقل بودن و مؤثر بودن پیام این تعریف را ارائه می دهد: «پیام عنصری است که اجزای درونی آن به نحوی تدوین می شود که توانایی انتقال مفاهیم را داشته باشد و به شکلی مستقل در هر عنصر برنامه قابل ارائه باشد.» برای اطلاعات بیشتر از عناصر و اجزای پیام می توانید به منبع معرفی شده مراجعه نمایید.^۱

اکنون که پیام را شناختیم باید به دنبال ترکیب آن با اجزای آرم باشیم. در اینجا باید تدبیری اندیشید تا با ارائه قالبی هماهنگ با محتوا و کیفیتی خلاقانه پیام به نحوی منتقل شود که مخاطب برنامه را پی گیری کند.

پیام نقطه مقابل تمرکز آرم است و می‌تواند از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ارتباطی ویژه‌ای سرشار باشد، از این رو معانی درونی اجزای آرم که خود هویتی مستقل دارند می‌توانند کنار هم قرار گرفته و مجموع آنها به پیامی مستقل تبدیل شوند که این مهم صرفاً با چیدمانی منطقی حاصل می‌شود. اما قبل از پرداختن به بحث چیدمان، لازم است مفاهیم دیگری چون «پردازش ایده» و «عناصر محتوایی» را در ساختار و فراگرد ساخت آرم بررسی کنیم.

پردازش ایده

همان‌گونه که در شکل ۱ ملاحظه می‌کنید، سازنده آرم پس از شناخت موضوع و پیام برنامه، ایده ساخت آرم را در ذهن خود پردازش می‌کند. مجموعه عملیات ذهنی سازنده آرم، در این بخش همان «پردازش ایده» است که او را وامی‌دارد برای اولین بار آرم را در ذهن خود بسازد. او در این عملیات ذهنی به حداکثر نتیجه ساخت نزدیک می‌شود که گاه ممکن است در اجرا عواملی پیش‌بینی نشده تغییراتی در ایده اولیه‌اش پدید آورند.

محتوای آرم

همان‌گونه که در مدل شماره ۱ ملاحظه می‌کنید محتوای آرم دربرگیرنده این اجزا است (عناصر کلامی، عناصر غیرکلامی، موسیقی، نام برنامه، چگونگی اعلام و ...) که هرکدام در جای خود بررسی می‌شوند.

عناصر کلامی

عناصر کلامی، هرگونه گفتار را در آرم شامل می‌شود که ممکن است به شکل حرف، کلمه یا جمله باشد، این کلمات و جملات ممکن است بخشی از متن برنامه، تلفن شنونده، گزارش، شعر، قطعه ادبی یا هر کلام دیگری باشد که بر اساس نوع موضوع و پیام انتخاب می‌شوند.

عناصر غیرکلامی

عناصر غیرکلامی هرگونه آوا یا صدایی است که فاقد حرف، کلمه یا جمله باشد این عناصر ممکن است به شکل افکت، موسیقی یا سکوت باشند.

نام برنامه

نام برنامه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا معرف برنامه به شکل کلی است. این کلیت تمام عناصر برنامه را شامل می‌شود. «نام یک برنامه و نامگذاری نمی‌تواند از محیط و پیرامون و علایق و سلیقه‌ها جدا باشد. در نامگذاری یک برنامه رادیویی سه حوزه محدودکننده وجود دارد که هرکدام تأثیر خاصی دارند و لذا اثر آنها را می‌توان در نام برنامه تجزیه و تحلیل کرد. این سه حوزه عبارتند از:

- علایق و تمایلات طراح برنامه

- اصول و سیاست‌های سازمانی و ساختار درون شبکه‌ای

- مخاطبان و علایق آنها

در طول برنامه رادیویی، نام آن بارها تکرار می‌شود، در صورتی که هر آرم فقط یک بار پخش می‌شود. لذا بررسی نامگذاری اهمیت خاصی دارد و هر نامگذاری دارای ویژگی‌های عمومی خاصی است.

ویژگی‌های عمومی نام‌ها:

- نام‌ها هویت دارند؛ نمایش سمبلیک یک چیز هستند.

- هر نام فقط در یک زمینه خاص دارای معناست و با تغییر

زمینه، ممکن است معنای آن عوض شود.

- فضای نام (name space): در هر زمینه ممکن است

مجموعه‌ای از نام‌های بالقوه وجود داشته باشد.

- عموماً از نام‌های مرکب می‌توان معنای جدیدی خلق کرد

(خجسته، ۱۳۸۱).

چگونگی اعلام

نوع اعلام نام برنامه در آرم از آن نظر حائز اهمیت است که می‌تواند کاستی‌ها و ضعف تأثیر پیام را در دیگر اجزا پوشش دهد. نوع اعلام دربرگیرنده لحن، ریتم، سکوت و نوسان صداست که تحت تأثیر قالب و رویکرد اجرایی و محتوایی برنامه است.

فرض کنید نام برنامه‌ای یک روز بی‌انتهاست و موضوع آن سرگذشت شخصی است که در طول روز با اتفاقات خوشایندی روبه‌روست. این نام در چگونگی اعلام می‌تواند در موقعیت‌های متفاوتی جلوه کند. اگر گوینده آرم به درک صحیحی از محتوای برنامه نرسیده باشد، با نوع اعلامی غیرصحیح، «یک روز بی‌انتها» را به روزی پر از حادثه همراه با یأس و دلهره تبدیل می‌کند که این با محتوای اولیه مغایر است.

ریتم در آرم

ریتم صرف نظر از مفهوم ظاهری آن که بر تندی یا کندی حرکتی دلالت دارد می‌تواند در محتوا نیز کاربرد داشته باشد. تأثیر درونی ریتم در هنر نمایش، «تمپو» (tempo) نام دارد. تمپو، حالت و ریتم درونی دیالوگ و جمله است. به این دیالوگ نمایشی توجه کنید: ^۱

«اتللو: کاش این ناکس چهل هزار جان می‌داشت که یک جان

برای انتقامی که می‌خواهم، بسیار کم و ناچیز است.»

در این دیالوگ به روشنی پیداست که صحبت از انتقامی همراه با قتل به میان آمده است چرا که از جان ستاندن صحبت می‌شود، بدیهی است زمانی که شخصی از انتقام سخن می‌گوید به شدت عصبانی است. مفهوم واقعی این دیالوگ زمانی به درستی به مخاطب القا می‌شود که این عصبانیت درونی و به شدت تند با بیانی بسیار کند ادا شود در چنین وضعیتی می‌گوییم تمپو تند (+) و ریتم کند (-) است. در ادامه دیالوگ، اتللو چنین ادامه می‌دهد:

«اتللو: ای انتقام سیاه، از قعر دوزخ برآ؛ ای عشق، تاج و تخت

خود را در قلب من به‌کینه بازگذار تا به‌قهر در آن فرمان

براند.»

در دیالوگ دوم اتللو، عصبانیت وی دیگر پنهانی نیست چرا

که فریاد برمی آورد و از عشق رفته و انتقامی سیاه سخن می گوید. در اینجا حس درونی دیالوگ تند و بیان ظاهری آن نیز تند است یعنی تمپو تند (+) و ریتم تند (+) است. وضعیت ریتم و تمپو در هر عنصر کلامی و غیرکلامی به شکل یکی از چهار وضعیت ذیل ارائه می شود:

- o ریتم (+) تمپو (-)
- o ریتم (+) تمپو (+)
- o ریتم (-) تمپو (+)
- o ریتم (-) تمپو (-)

شکل شماره ۳ می تواند کامل کننده مفهوم ریتم در این بخش باشد.

معنی را به مفهوم تبدیل می کند» (محسنیان راد، ۱۳۸۲). در تعریف ابتدایی آرم به معنی اشاره کردیم، معنی در واقع در فراگرد ارتباط از اجزای پنهان و میانی دیگر عناصر است که در ساختار آرام رادیویی جهتی دوسویه دارد، یک سو آن معنی که مدنظر رمزگذار است و دیگر سو آن معنی که در ذهن مخاطب تجلی می کند.

به هر حال اگر معنی ارسالی رمزگذار در ذهن مخاطب تجلی مفهوم اولیه را نداشته باشد، باز هم ذهن او را درگیر معنی دیگری می کند. از این جهت معتقدیم که معنی نه تنها در ساختار آرم بلکه در هر فراگرد ارتباطی می تواند رابطه ای دوسویه داشته باشد. از آنجا که آرم برنامه رادیویی اجزایی پراکنده دارد، در تدوین



شکل شماره ۳: بررسی وضعیت ریتم درونی و بیرونی

و چیدمان نیاز به معانی مشترک یا حداقل نزدیکی دارد که مخاطب را به سوی پیام آرام هدایت کند. در ادامه این نوشتار در بخش «پیوند عناصر» درباره معنی باز هم مطالبی ارائه می شود.

موسیقی در آرم

موسیقی در آرم اهمیتی ویژه دارد که گاه به تنهایی می تواند جایگزین دیگر اجزا نیز باشد و این به دلیل قدرت تصویری و تفسیری است که از خود برجای می گذارد. معمولاً قطعه ای را که برای آرم انتخاب می کنیم، از قطعاتی است که کمتر استفاده شده است و یا حتی این قطعه بر اساس موضوع و محتوا به شکلی سفارشی و خاص برنامه ساخته شده است.

این بدان معناست که تکرار موسیقی از قوت معنایی آن در ذهن مخاطب می کاهد مثلاً قطعات مجموعه باران عشق^۳ به دلیل استفاده بیش از حد در رسانه های دیداری و شنیداری به لحاظ معنایی جهتی خنثی به خود گرفته است که شاید حداقل معنی را بتواند در ذهن مخاطب ایجاد کند. از این رو می کوشیم قطعه ای را در آرم برنامه جای دهیم که ضمن تناسب با اهداف ساخت از عنصر تازگی^۴ نیز برخوردار باشد. یک قطعه موسیقی به تنهایی مانند دیگر آثار هنری ویژگی هایی دارد چرا که آهنگساز آن را بر اساس هدفی تعریف شده ارائه می دهد. نقطه شروع، تغییر ریتم، تکنوازی، هم نوازی و ... در یک قطعه بیانگر معانی و مفاهیم درونی قطعه است.

از آنچه درباره ریتم گفته شد چنین نتیجه می گیریم که ریتم علاوه بر ظاهر عناصر بر محتوای آنها نیز دلالت دارد. البته مثال ها صرف گفتاری بود ولی در دیگر اجزای آرم مثل موسیقی و افکت نیز می توان ریتم را دخالت داد، البته این دخالت در کنار معنی اجزا و عناصر قرار می گیرد که در ادامه توضیح می دهیم.

معنی

در معرفی معنی (meaning)، صاحب نظران و اساتید علم ارتباطات سخنان گسترده و فراوانی دارند، «معنی» خود آنقدر وسیع است که در یک فراگرد ارتباطی می توان ساعت ها درباره اش به بحث نشست، اما ما به آنقدر که نیازمان را در ساختار آرم رادیویی پاسخ دهد بسنده می کنیم.

«ما زبان را برای بیان مقصود و بیرون آوردن معنی ها به کار می بریم، در واقع این کارکرد اصلی زبان است. معنی، چیزی ذاتی و جدانشدنی از بسیاری تعاریف زبان است ... به روشنی مشخص است که معنی وابسته به کدهایی است که ما در ارتباط انتخاب می کنیم یا هنگام به کارگیری زبان، مقاصد و نیت های خود را درون پیام ها و پاسخ هایی که به رمز درآورده ایم می گذاریم.»

در بیان معنی تعریف دیگری را بررسی می کنیم: «معانی پاسخ هایی درونی هستند که افراد به محرک ها می دهند. این پاسخ ها بیشتر از عوامل فردی یا فیزیکی جهان اطراف تأثیر گرفته اند که

اکنون آیا معنی و مفهوم قطعه‌ای که از مجموعه‌ای تعریف شده برای آرم برنامه استفاده می‌کنیم، با معانی و مفاهیم ساختار آرم ما هماهنگی دارد؟ اگر چنین است، آیا این معنی و مفهوم را توانسته‌ایم به درستی به مخاطب منتقل کنیم؟ در اینجا نیز باز هم با معنی سروکار داریم چرا که هر قطعه موسیقی برای خود معنی واحدی دارد که گاه به دلیل استفاده غیر صحیح در آرم ساختار آن را دگرگون می‌سازد.

فرض کنید در برنامه‌ای می‌خواهیم مفاهیمی چون طلوع، رویش و امید را در آرم به مخاطب القا کنیم، تمام عناصر را نیز به درستی انتخاب و چینش کرده‌ایم، ولی ساختار موسیقی ما در درون مفهوم، ایستایی، سیاهی و غروب را تداعی می‌کند. از آنجا که این قطعه از شروع تا پایان آرم بر دیگر اجزا نیز مؤثر است، مفهوم اولیه طلوع و رویش از دست رفته و مفهومی مغایر با آن جایگزین شده است.

«چیدمان» مفهومی جدا از «پیوند عناصر» دارد. در چیدمان ترتیب عناصر بر اساس حرکت صعودی موضوع مدنظر است در حالی که در پیوند عناصر پیوستگی معانی و ارتباط مفهومی اجزا اهمیت دارد. مثلاً در آرمی به ترتیب عناصر و اجزا به شکل (موسیقی ← گفتار ← افکت ← اعلام ← موسیقی پایانی) ارائه شده است. این چینشی است که بر اساس محتوا و موضوع صورت گرفته اما آنچه این عناصر و اجزا را یک‌جا هماهنگ و مستقل ارائه می‌دهد رابطه‌ای است که بین آنها برقرار می‌شود. این رابطه همان پیوند عناصر است که بر اساس معانی شکل می‌گیرد. در مدل و شکل شماره ۲ این مفهوم نمایش داده شده است. قبلاً اشاره شد که موضوع اولین مولد انتخاب عناصر است. در اینجا باید متذکر شد که در چیدمان رعایت موضوعی عناصر الزامی است به نحوی که در اجرا ضمن حرکتی صعودی و پیوستگی موضوعی فضایی فراهم شود که بر شدت تأثیر پیام

موسیقی در آرم اهمیتی ویژه دارد که گاه به تنهایی می‌تواند جایگزین دیگر اجزا نیز باشد و این به دلیل قدرت تصویری و تفسیری است که از خود برجای می‌گذارد. معمولاً قطعه‌ای را که برای آرم انتخاب می‌کنیم، از قطعاتی است که کمتر استفاده شده است و یا حتی این قطعه بر اساس موضوع و محتوا به شکلی سفارشی و خاص برنامه ساخته شده است.



موسیقی در آرم رادیویی عاملی بیانی است که ماهیت حرکتی موضوع را تقویت می‌کند زیرا به کمک آن می‌توان هماهنگی اجزا را کنترل و تأثیر انتقال معانی و نگرش نهفته در اجزا و ساختار آرم را دوچندان کرد. موسیقی در آرم از استقلال معنا و بیان موجودیت برخوردار است که می‌تواند در کاربردی صحیح ارتباطی هنرمندانه بیفزاید.

چیدمان

اکنون ایده اولیه در ساخت آرم پردازش شده و عناصر را نیز در اختیار داریم تا در عملیات ساخت، ایده را به مرحله اجرا درآوریم. در عملیات ساخت با دو وضعیت عملی «چیدمان» و «پیوند عناصر» روبه‌رو هستیم. همان‌طور که در مدل شماره ۱ ملاحظه می‌کنید «چیدمان» و «پیوند عناصر» مجزا نشان داده شده‌اند. این بدان معناست که

انتقال آن نیز افزوده شود.

چیدمان می‌تواند به شکلی کلی سه موقعیت را دربرگیرد: نقطه شروع، نقطه اوج و نقطه پایانی.

نقطه شروع آرم

بهرتر است شروع آرم با نشانه‌ای همراه باشد نشانه‌ای که پس از چندبار پنخش در ذهن مخاطب جای گیرد و باقی بماند. این نشانه می‌تواند افکت، موسیقی یا کلام باشد.

در دو دهه گذشته آرم برنامه کار و کارگر در شروع با نشانه‌ای ثابت ارائه می‌شد. این نشانه صدای ضربه دو قطعه آهن یا فلز بود که فضایی از کارگاه یا کارخانه را به ذهن مخاطب القا می‌کرد. در آگهی‌های تبلیغاتی نیز از نشانه‌های صوتی کلامی به خوبی بهره گرفته شده است، مثلاً ترکیب «انتخابی مطمئن» در شروع تیزر بدون هیچ درگیری ذهنی تداعی‌کننده نام «بوتان» است.

نقطه اوج آرم

در تدوین و چیدمان آرم می‌کوشیم تا نام برنامه در ذهن مخاطب باقی بماند. در واقع پیام آرم زمانی به شکل کامل به مخاطب منتقل می‌شود که نام برنامه و نوع آن به درستی ارائه شود. در این صورت مخاطب با سرعت به کنکاش ذهنی می‌پردازد و تمایل خود را در پیگیری برنامه نشان می‌دهد.

بهرتر است آرم از نقطه شروع با همان حرکت صعودی که قبلاً توضیح داده شد با اعلام نام برنامه اوج بگیرد. از همین رو، این نقطه را «نقطه اوج» یا «نقطه عطف» آرم می‌نامیم.

نقطه پایانی آرم

نقطه پایانی، موقعیتی است که نام برنامه اعلام شده و اینک باید فضایی نزولی ایجاد شود تا ذهن مخاطب به آرامی با برنامه پیوند داده شود. فاصله بین اعلام تا شروع برنامه نقطه پایانی آرم نامیده می‌شود که البته نباید به یکباره رها و به شکل پیچیده‌ای ارائه شود. چرا که در این موقعیت پیام آرم به شکل کامل منتقل شده و تنها به یک عنصر فاصله نیاز داریم که این پیوند برقرار شود. در ادامه بحث چیدمان آرم به این مثال توجه کنید:^۵

در آرم برنامه‌ای به نام **رؤیای زخمی**^۶ از سه عنصر موسیقی، گفتار و افکت استفاده شده است که در ترکیب شامل ۸ جزء به شرح ذیل است:

موسیقی همراه با آوای زنان

افکت ۱ (تپش قلب)

گفتار ۱ (اسمم آرزوست)

گفتار ۲ (اسمم زهره است)

گفتار ۳ (من پطروسیان هستم)

گفتار ۴ (اسمم آرزوست؛ با یه بغل رؤیا اومدم تهران)

افکت ۲ (شکستن شیشه)

گفتار ۵ (اعلام نام برنامه)

اگر این اجزا را به ترتیب با حروف: A_1, A_2, A_3 تا A_8 نشان دهیم می‌توانیم در چیدمان به ترکیب‌های فراوانی دست یابیم و از این ۹۶۰ مدل ترکیبی در اجرا حاصل می‌شود. این در حالی است که از این ۹۶۰ مدل فقط یک ترکیب مدنظر ماست. منظور همان ترکیبی است که بر اساس موضوع و پیام اولیه در ذهن سازنده آرم متجلی گشته است.

بسیاری از آرم‌ها به‌رغم تلاش فراوان سازنده و بهره‌گیری از بهترین اجزا و عناصر صوتی به درستی نمی‌توانند معرف برنامه باشند و در شکل ارتباطی خود با مخاطب همراه شوند که این ناشی از ضعف چیدمان آرم است.

پیوند عناصر

در پیوند عناصر معانی اولویت ویژه‌ای دارند، در بخش معنی اشاره

شد که معانی، پاسخ‌های درونی ما به محرک‌ها هستند و دیگر اینکه معانی دوسویه‌اند. در گفتار روزمره کلمات و عبارات بسیاری را بر زبان می‌آوریم که هرکدام مفهومی در بر دارد. معانی این کلمات ممکن است در ذهن ما و مخاطب مفهومی متفاوت داشته باشند.

اگر به دو نفر بگوییم «عقاب چیست؟»، ممکن است دو مفهوم متفاوت را پاسخ دهند:

نفر اول: «پرنده‌ای شکاری که دیگر پرنده‌ها را شکار می‌کند.»

نفر دوم: «پرنده‌ای باشکوه که با اقتدار در آسمان پرواز می‌کند.»

با شنیدن صدای رعد و برق نیز ممکن است جملات متفاوتی بشنویم:

نفر اول: «باز هم رعد و برق! تا چند دقیقه دیگر خیابان‌ها

خیس می‌شود و این خوب نیست.»

نفر دوم: «خدا را شکر...! می‌خواهد باران ببارد.»

نفر سوم: «من از رعد و برق می‌ترسم.»

در ساخت آرم نیز باید توجه داشته باشیم که عناصر کلامی و غیرکلامی ما، آیا می‌تواند همان معنایی که مدنظر ماست یا حداقل مشابه آن را به مخاطب القا کند؟

به مثال بخش قبل رجوع می‌کنیم؛ برنامه **رؤیای زخمی** با موضوع «آسیب‌شناسی اجتماعی مسئله دختران فراری» و پیامی مبنی بر «پرهیز از فرار و ...» ارائه شده است. برای روشن تر شدن مطلب، «پیوند عناصر» و «رابطه معنایی» اجزای این آرم را بررسی می‌کنیم:

۱. موسیقی آرم: موسیقی این آرم همراه با کرالی است که در آن ضجه یک زن بیشتر از بقیه نمایان است، گویی آن زن فریادی پنهان دارد که ناشی از تنش‌های روانی است.

۲. افکت ۱ (تپش قلب): در اینجا معنای زندگانی و تکاپو برای ادامه حیات و ماندن به کار رفته است.

۳ و ۴. گفتار: معرفی نام دختران، آرزو، زهره و ... است. تکرار این اسامی بر دخترانه بودن برنامه دلالت دارد و نوع ترکیب آن چنین می‌نماید که تعداد آنها روبه‌افزایش است.

۵. گفتار ۶: «اسمم آرزوست؛ با یه بغل رؤیا اومدم تهران.» در اینجا مخاطب پی می‌برد که او یکی از هزاران دختری است که فریادکنان و ضجه‌کنان برای ماندن و حیات به اشتباه راهی تهران شده است.

۶. افکت ۲ (شکستن شیشه): شکستن شیشه بعد از فرار آرزو به تهران بلافاصله معنای شکست و ریزش را تداعی می‌کند.

۷. گفتار ۷ (نام برنامه و اعلام): در اینجا مخاطب با شنیدن نام «رؤیای زخمی» پی می‌برد که رؤیای فرار دختران به تهران با زخمی بودن همراه است. کلمه «زخمی» بر معنای جراحت دلالت دارد که یا فیزیکی و یا روحی است.

در پیوند عناصر این آرم درمی‌یابیم که هرکدام از اجزا در حرکتی صعودی جزء قبل را کامل و با آن رابطه برقرار کرده است.

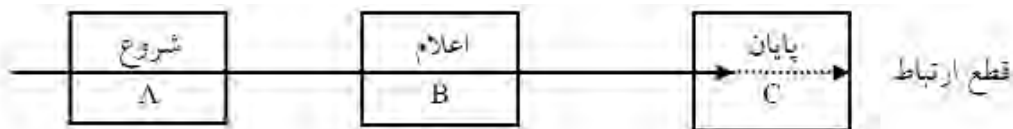
انواع آرم رادیویی

اکنون که فراگرد ساخت آرم تشریح شد، به توضیح انواع آن که «ساده» و «ترکیبی» است می‌پردازیم. آرم ساده با استفاده از حداقل اجزا و عناصر ارائه می‌شود. بسیاری از تهیه‌کنندگان رادیو بر این باورند که آرم ساده به لحاظ سادگی در ساخت، بر آرم ترکیبی ارجحیت دارد. این نظر زمانی قابل قبول است که آرم در عین سادگی، معرف برنامه، موضوع و پیام نیز باشد که البته به ندرت چنین آرمی یافت می‌شود. معمولاً آرم ساده از یک موسیقی و یک اعلام ساخته می‌شود^۷ که بیشتر در مراکز رادیویی استان‌ها معمول است. مقایسه آرم ساده و ترکیبی در شکل‌های ۴ و ۵ نمایش داده شده است.

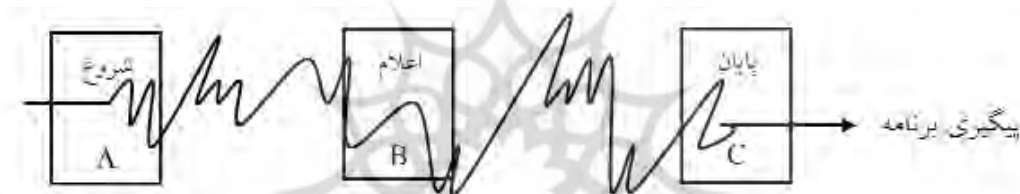
پویا و متحول کند تا به کشف پیام و معانی پنهان آرم و برنامه ناآید.

پی نوشت:

۱. در کتاب **ارتباط‌شناسی** برای پیام سه عامل یا سازه معرفی شده که عبارت‌اند از:
 - رمزها یا کدهای پیام (message code)
 - محتوای پیام (message content)
 - نحوه ارائه پیام (message treatment)
۲. بخشی از نمایشنامه **اتللو**، نوشته ویلیام شکسپیر.
۳. مجموعه **باران عشق**، ساخته ناصر چشم‌آذر (۱۳۷۴).



شکل ۴: حرکت افقی و خطی آرم ساده و ایستایی مخاطب



شکل ۵: حرکت صعودی آرم ترکیبی و پویایی ذهن مخاطب

۴. تازگی موسیقی در اینجا به معنای جدید بودن موسیقی نیست. بسیاری از قطعات قدیمی و آرشویی نیز می‌توانند برای مخاطب مفاهیم و معانی تازه‌ای داشته باشند. آنچه مدنظر است مفاهیم تازه‌ای است که یک قطعه موسیقی می‌تواند برای مخاطب پدید آورد.
۵. در کتاب **ارتباط‌شناسی** و در بخش محتوای پیام، مشابه این مثال آورده شده است که بیشتر بر تأثیر عناصر پیامی دلالت دارد.
۶. برنامه **روئیای زخمی** در جشنواره چهارم رادیو موفق به دریافت جایزه سردبیری، تهیه‌کنندگی و نویسندگی برتر شد.
۷. بسیاری از آرم‌های ساده نیز وجود دارند که کمتر قابلیت ترکیبی دارند. این ویژگی برگرفته از نام و موضوع برنامه است. مثلاً آرم برنامه **ورزش از رادیو تهران** با توجه به نامش پیداست که به سادگی می‌تواند موضوع را به مخاطب انتقال دهد.

منابع:

- خجسته، حسن (۱۳۸۱) **درآمدی بر جامعه‌شناسی رادیو**، تهران: تحقیق و توسعه صدا
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) **جامعه‌شناسی ارتباطات**، تهران: اطلاعات
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۲) **ارتباط‌شناسی**، تهران: سروش
- مکی، ابراهیم (۱۳۶۶) **شناخت عوامل نمایش**، تهران: سروش



در مقایسه آرم ساده و ترکیبی باید اذعان داشت که آرم ساده:

۱. مخاطب را به پی‌گیری برنامه ترغیب نمی‌کند.
۲. ذهن او را ایستا و ثابت باقی می‌گذارد.
۳. عناصر را تابع دیگری نمی‌کند (معنایی پدید نمی‌آورد).
۴. حرکتی خطی و افقی دارد.

درحالی‌که در آرم ترکیبی:

۱. مخاطب درگیر عملیات ذهنی می‌شود که نتیجه‌اش تحول و پویایی است.
۲. مخاطب تصمیم به پی‌گیری برنامه می‌گیرد.
۳. حرکت آرم با کنش صعودی آغاز می‌شود و در این مسیر صعودی بر شدت تأثیر پیام و تعلیق افزوده می‌شود.
۴. اطلاعات موضوعی و بخشی از پیام برنامه به مخاطب منتقل می‌شود.

از آنچه گذشت درمی‌یابیم که تا چه اندازه جنبه عملی و کارکرد محتوایی آرم مهم است. این نوشتار را با تکرار این مطلب به پایان می‌برم که آرم برنامه حاوی اولین پیام برنامه است که می‌تواند مخاطب را صرفاً به یک شنونده مبدل نسازد؛ بلکه او را در لحظه